

روسیه خود را برای ادامه جنگ اقتصادی آماده می‌کند

در پاییز سال ۲۰۲۳، بحث‌ها پیرامون بودجه سه سال آینده روسیه، افزایش چشمگیر هزینه‌های دولت، به‌ویژه در حوزه دفاعی را آشکار ساخت. این موضوع، چاره‌ای جز افزایش مالیات را برای مقامات روسی باقی نگذاشت. در ماه فوریه، یک ماه پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری، ولادیمیر پوتین افزایش مالیات‌ها را تأیید کرد. اما ابهاماتی در مورد میزان افزایش و اینکه چه کسانی مشمول آن خواهند شد، همچنان باقی بود. اکنون جزئیات مربوط به افزایش مالیات بر درآمد و سود شرکت‌ها منتشر شده است. این جزئیات نشان می‌دهد که رهبری روسیه نه‌تنها برای افزایش بار مالیاتی بر شهروندان خود آماده است، بلکه علاوه بر آن در حال تغییر اولویت‌های توسعه اقتصادی خود است.

وزارت دارایی روسیه پیش‌بینی می‌کند که با اعمال نرخ‌های مالیاتی جدید، ۶/۶ تریلیون روبل (معادل ۱/۲۹ میلیارد دلار با نرخ ارز فعلی) درآمد اضافی در سال ۲۰۲۵ کسب خواهد شد. این درآمد، به همراه ذخایر ارزی روسیه، منابع لازم برای تأمین هزینه‌های «احکام ماه مه» جدید پوتین را که پس از آغاز پنجمین دوره ریاست‌جمهوری او ابلاغ شد، فراهم می‌کند. انتظار می‌رود اجرای این احکام تا سال ۲۰۳۰ حدود ۷/۹ تریلیون روبل (معادل ۱۰۹ میلیارد دلار) هزینه داشته باشند، که با احتساب درآمدهای دیگر، مازاد بودجه‌ای بیش از ۱ تریلیون روبل (معادل ۱۱۷/۲ میلیارد دلار) را به همراه خواهد داشت.

دولت روسیه مدعی است که افزایش مالیات‌ها به نفع عدالت اجتماعی خواهد بود. با اعمال سیستم مالیات تصاعدی، ثروتمندان روس به‌طور قطع سهم بیشتری از مالیات را خواهند پرداخت. آنتون سیلوآنوف، وزیر دارایی روسیه، برآورد کرده است که این افزایش فقط ۳/۲ درصد از مالیات‌دهندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با این حال، با توجه به ثابت بودن نرخ‌های مالیاتی (عدم تعدیل براساس تورم)، با ادامه تورم و افزایش دستمزدها، بسیاری از روس‌ها در معرض پدیده «سرخوردگی مالیاتی» (قرار گرفتن در سطح مالیاتی بالاتر به دلیل افزایش درآمد اسمی) قرار خواهند گرفت. علاوه بر این، ثروتمندان از افزایش مالیات بر سود سهام، سپرده‌ها و درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری معاف شده‌اند. این در حالی است که هر چه ثروت فرد بیشتر باشد، به احتمال زیاد سهم درآمد غیرفعال (غیر حاصل از کار) او در مقایسه با درآمد ناشی از کار، بیشتر خواهد بود.

درست است که ثروتمندان از مالیات بر درآمدهای غیرفعال معاف هستند، اما سرمایه‌گذاران به‌طور کامل از افزایش مالیات در امان نمانده‌اند. دولت همچنین نرخ مالیات بر سود شرکت‌ها را از ۲۰ درصد به ۲۵ درصد درآمد اضافی ۱/۶ تریلیون روبلی (معادل ۱۷/۹ میلیارد دلار) را به همراه داشته باشد. این رقم در مقایسه با ۵۵۳ میلیارد روبلی (معادل ۶/۲ میلیارد دلار) که از طریق افزایش مالیات بر درآمد اشخاص پیش‌بینی می‌شود، مبلغ قابل توجهی است.

اصلاحات مالیاتی در روسیه علاوه بر کمک به تأمین مالی برنامه‌های جدید دولت، هدفی دیگر را نیز دنبال می‌کند: هدایت سرمایه‌ها به سمت تولید داخلی و فناوری. این امر به رهبران روسیه امکان می‌دهد تا بدون نیاز به کاهش بودجه نظامی، تراز مالی را متوازن کنند. بودجه‌ای که در دو سال گذشته به عنصری کلیدی برای رشد اقتصادی، بهبود سطح زندگی و افزایش حمایت مردمی از جنگ و رژیم تبدیل شده است.

با این حال، این اصلاحات پایان‌بخش دوران ۲۵ ساله‌ای است که روس‌ها از سطح زندگی خوب و بی‌سابقه‌ای برخوردار بودند. در این عصر جدید، هزینه‌های انتقال به‌فناوری داخلی و افزایش هزینه‌های اجتماعی بر دوش سه گروه خاص خواهد بود:

- صاحبان شرکت‌هایی که خارج از بخش دفاعی و صنایع وابسته فعالیت می‌کنند: این گروه شامل شرکت‌هایی می‌شود که در زمینه‌هایی مانند خدمات، تجارت و کشاورزی فعالیت می‌کنند.
- افراد با درآمد بالا: این افراد شامل مدیران ارشد، کارشناسان و متخصصان با حقوق بالا می‌شوند.
- صادرکنندگان منابع طبیعی: این گروه شامل شرکت‌هایی می‌شود که نفت، گاز، فلزات و سایر منابع طبیعی را صادر می‌کنند.

این سه گروه باید مالیات بیشتری بپردازند تا هزینه‌های برنامه‌های جدید دولت و همچنین سرمایه‌گذاری در تولید داخلی و فناوری را تأمین کنند. رویکرد جدید نشان می‌دهد روسیه تلاش دارد خود را با شرایطی که در صورت تداوم جنگ ممکن است رخ دهد، سازگار کند.



چالش کوتاه‌مدت، تهدید بلندمدت

پیروزی راست افراطی در انتخابات اخیر پارلمان اروپا چه تأثیری بر سیاست‌های اتحادیه اروپا می‌گذارد؟



محمدحسین لطف‌اللهی

خبرنگار گروه بین‌الملل

تعداد کرسی‌های محافظه‌کاران و راست‌گرایان افراطی در پارلمان اروپا به اندازه‌ای که انتظار می‌رفت افزایش پیدا نکرد اما در بلندمدت، ایده‌های این جریان می‌تواند سیاست‌های اتحادیه اروپا را در حوزه‌هایی نظیر مهاجریزبری، محیط زیست، امنیتی و نظامی و اضافه شدن کشورهای جدید به اتحادیه اروپا دچار تغییراتی جدی کند.

در فاصله ۶ تا ۹ ژوئن ۲۰۲۴، در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، نزدیک به ۴۰۰ میلیون نفر پای صندوق‌های رأی رفتند تا در انتخابات پارلمان اروپا شرکت کرده و ۷۲۰ نماینده این پارلمان را انتخاب کنند. این انتخابات اهمیت زیادی دارد چرا که شهروندان اروپایی تصمیم می‌گیرند که چه کسانی آن‌ها را در پارلمان نمایندگی کنند و این نمایندگان در انتخاب رئیس شورای اروپا (بازوی اجرایی اتحادیه) نقش مؤثری دارند.

در ابتدا و براساس نظرسنجی‌ها پیش‌بینی می‌شد که محافظه‌کاران و راست‌گرایان کرسی‌های بسیار بیشتری را کسب کنند اما در واقعیت این اتفاق نیفتاد. درحالی‌که در ایتالیا، فرانسه و آلمان آن‌ها توانستند موفقیت‌های خیره‌کننده‌ای را به دست بیاورند، عملکرد آن‌ها در بقیه کشورهای عضو اتحادیه اروپا چندان چشمگیر نبود. آمارها نشان می‌دهد احزاب محافظه‌کار و راست افراطی در ۵ کشور توانستند جایگاه نخست را در میان احزاب از نظر تعداد کرسی‌ها کسب کنند، در ۵ کشور دوم یا سوم شدند و در باقی کشورهای اتحادیه اروپا این احزاب لیبرال و سبزها بودند که عملکرد بهتری را به ثبت رساندند.

مجموعه تحولات نشان می‌دهد نه‌تنها روند رو به رشد راست افراطی متوقف نشد، بلکه حمایت‌های عمومی از احزاب پوپولیست و افراطی در هر دو سطح اروپایی و ملی به‌طور فزاینده‌ای رو به افزایش است. نگران‌کننده‌تر اما رویکردی است که برخی احزاب راست‌گرای میانه‌رو اتخاذ کرده‌اند و به مرور در حال نزدیک کردن گفتمان خود به سیاست‌های مدنظر راست‌گرایان تندرو هستند.

▼ پارلمان اروپا چیست و نتایج انتخابات چه تأثیری در آن می‌گذارد؟

پارلمان اروپا، نهاد قانون‌گذاری و مرجع تعیین بودجه اتحادیه اروپا است. این نهاد برای تصویب قوانین براساس پیشنهادات کمیسیون اروپا، با شورای اروپا همکاری می‌کند. همچنین بودجه را تأیید یارد می‌کند.

پارلمان از نمایندگان منتخب شهروندان اتحادیه اروپا تشکیل شده است که براساس وابستگی سیاسی خود در گروه‌های سیاسی قرار می‌گیرند. این گروه‌ها هنگام رأی‌گیری درباره قوانین، اغلب براساس موضوع، ائتلاف‌هایی را تشکیل می‌دهند. براساس نتایج انتخابات اخیر پارلمان اروپا همچنان بزرگترین گروه‌ها و احزاب در این پارلمان حزب راست میانه مردم اروپا (EPP)، ائتلاف چپ میانه سوسیال‌دموکرات‌ها (S&D) و گروه Renew که گروهی لیبرال محسوب می‌شود، هستند.

در این انتخابات، نفوذ گروه Renew که به امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نزدیک هستند با افت قابل توجهی روبه‌رو شد و این گروه که بازگیری مهم در تصویب طرح‌ها و قانون‌گذاری در اروپا به حساب می‌آمد، شکست سختی متحمل شد. در پی اعلام نتایج اولیه انتخابات پارلمان اتحادیه اروپا در فرانسه در روز یکشنبه ۹ ژوئن (۳۰ خرداد)، امانوئل مکرون در اقدامی غیرمنتظره در تلویزیون ظاهر شد و خیر از انحلال مجلس و برگزاری انتخابات زودهنگام داد. او در سخنرانی خود با اشاره به اینکه احزاب راست افراطی فرانسه شامل حزب «اجتماع ملی» توانسته‌اند تقریباً ۴۰ درصد آرا را در انتخابات به دست بیاورند، خطر «ظهور ملی‌گرایان و عوام‌فریبان» را گوشزد کرد. او در توجیه تصمیم خود گفت می‌داند می‌تواند روی رأی‌دهندگان حساب کند تا «به جای اینکه در معرض تاریخ قرار بگیرند، خود تاریخ را بنویسند»

از سوی دیگر، در گذشته دو گروه حزب مردم اروپا (EPP) و ائتلاف سوسیال‌دموکرات‌ها (S&D) همکاری‌های زیادی در زمینه قانون‌گذاری داشتند و گروه Renew نیز از این همکاری استقبال می‌کرد اما EPP به‌مرور مسیر خود را جدا کرد و در برخی موضوعات کلیدی در کنار راست‌گرایان افراطی و گروه‌هایی نظیر محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان اروپا (ECR) که توسط جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا رهبری می‌شوند، قرار گرفت. این اقدام EPP، ناراحتی و نگرانی برخی گروه‌ها در ذیل ائتلاف سوسیال‌دموکرات‌ها را در پی داشت و شواهد نشان می‌دهد باعث تغییراتی بزرگتر در آینده نهاد قانون‌گذاری اتحادیه اروپا خواهد شد.

در مقابل، گروه‌های راست افراطی نظیر ECR و هویت و دموکراسی (ID) - هویت و دموکراسی گروهی است که شامل جبهه ملی فرانسه به رهبری مارین لوپن نیز می‌شود- توانستند وضعیت خود را به نسبت گذشته بهتر کنند. به احتمال زیاد انبوهی از دیگر احزاب جدید راست افراطی که هنوز جایگاه سیاسی مشخصی ندارند، به صفوف این دو گروه خواهند پیوست.

حزب آلترناتیو برای آلمان (AFD) هم توانست برای اولین بار با کسب ۱۵ کرسی به پارلمان اروپا راه پیدا کند. حزب فیدز نیز که در سال ۲۰۲۱ از ذیل ائتلاف حزب مردم اروپا در پارلمان اروپا در مجارستان ۱۰ کرسی به دست آورد؛ در مجموع احزاب محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان اروپا (ECR)، هویت و دموکراسی (ID)، آلترناتیو برای آلمان (AFD) و فیدز توانستند ۱۵۶ کرسی کسب کنند که از کرسی‌های ائتلاف سوسیال‌دموکرات‌ها بیشتر است. برخی پژوهشگران پیش‌بینی می‌کنند که ائتلاف بزرگ و یکپارچه‌ای از این احزاب راست افراطی در پارلمان اروپا شکل گیرد اما در واقعیت چنین ایده‌ای با توجه به تفاوت‌های ایدئولوژیک جدی میان برخی از این گروه‌ها چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. با توجه به ادامه‌ی درگیری‌های درون‌جناحی، پیش‌بینی می‌شود که در هفته‌ها و ماه‌های آینده، شاهد تغییرات و انشعابات در عضویت گروه‌های راست افراطی و تا حدی در جناح مرکزی نیز باشیم. این امر بر توانایی آنها برای اعمال نفوذ تأثیر منفی خواهد گذاشت.

اندیشکده چتم‌هاوس در مقاله‌ای که درباره نتایج انتخابات پارلمان اروپا منتشر کرده، آورده است: «توانایی راست‌گرایان افراطی در اعمال نفوذ واقعی در پارلمان اروپا به اتحاد آن‌ها بستگی دارد. این گروه‌ها بر سر برخی از مسائل نظیر حمایت از اوکراین اختلافاتی جدی دارند.»

▼ شورای اروپا و کمیسیون اروپا چگونه تحت تأثیر قرار می‌گیرند؟

یکی از مهم‌ترین آثار ارتقای جایگاه راست‌گرایان افراطی در پارلمان اروپا، افزایش توجه‌ها به احزاب پوپولیست، ملی‌گرای افراطی و در برخی موارد ضداروپایی در سطح ملی در کشورهای عضو اتحادیه است.

در حال حاضر در فنلاند، سوئد، هلند، ایتالیا و کرواسی، احزاب راست افراطی بخشی از ائتلاف حاکم هستند. در اتریش آن‌ها در نظرسنجی‌ها پیش‌تازند و انتظار می‌رود در ماه سپتامبر قدرت را در اختیار بگیرند. در پرتغال و اسلواکی نیز احزاب راست افراطی در انتخابات‌های اخیر در این کشورها توانسته‌اند وضعیت خود را در پارلمان ملی بهبود بخشند. این روند، ترکیب و عملکرد دو نهاد کلیدی اتحادیه اروپا، یعنی شورای اروپا و شورای وزیران را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در شورای اروپا، سران دولت کشورهای عضو گرد هم می‌آیند و در مورد سیاست‌های کلی اتحادیه اروپا تصمیم‌گیری می‌کنند. در شورای وزیران نیز، وزرای مربوطه از هر کشور عضو برای تصویب قوانین اتحادیه اروپا و اتخاذ تصمیمات اجرایی در حوزه‌های مختلف، تشکیل جلسه می‌دهند.

با افزایش تعداد رهبران و احزابی در سطح ملی که شاید بتوان آن‌ها را مخالف اتحادیه اروپا توصیف کرد، مواضع اتخاذشده توسط کشورهای عضو در شورای اروپا و شورای وزیران ممکن است دستخوش تغییر شود. این امر به معنای احتمال افزایش تلاش‌ها از سوی کشورهای عضو برای تضعیف اختیارات سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری اتحادیه اروپا به نفع فرآیندهای ملی و در نتیجه، تضعیف اتحادیه اروپا از درون خواهد بود.

تأثیر ترکیب جدید پارلمان اروپا شاید در کوتاه‌مدت به‌طور ویژه در رأی‌گیری برای رئیس جدید کمیسیون اروپا نمایان خواهد شد. اورسولا فون درلاین، رئیس فعلی، به‌دنبال کسب مجدد این سمت است. در صورت نامزدی او و در صورت اجماع شورای اروپا بر سر این مسئله، فون درلاین نیازمند کسب رأی موافق پارلمان اروپا خواهد بود.

در سال ۲۰۱۹، فون در لاین فقط با اختلاف ۹ رأی توانست اکثریت لازم را کسب کند. برخی احزاب که در گذشته از او حمایت کرده بودند، گفته‌اند که دیگر حامی این سیاستمدار آلمانی نیستند. این موضوع فون در لاین را وامی‌دارد تا با سوسیال‌دموکرات‌ها و گروه Renew وارد مذاکره شود و حمایت آن‌ها را برای تداوم ریاست کمیسیون اروپا کسب کند. گزینه دیگر برای او نزدیک شدن به محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان اروپا (ECR) است. در این صورت فون در لاین مجبور خواهد شد از برخی مواضع خود عقب‌نشینی کند و برخی امتیازات را به این گروه بدهد تا بتواند آرای آن‌ها را داشته‌باشد.

▼ اوج‌گیری راست افراطی در اروپا

قدرت‌گیری راست‌گرایان در اروپا، بخشی از روند افزایش تمایل توده مردم به حکومت‌های اقتدارگرا و غیردموکراتیک در

سرتاسر جهان است و به‌طور خاص طی ۱۵ سال گذشته در اروپا قابل مشاهده است. در فرانسه، مارین لوپن در سال ۲۰۱۱ رهبری جبهه ملی را برعهده گرفت. او با ملائمت‌تر کردن مواضع تند حزب، به‌خصوص در مورد مهاجرت، آن را برای مردم قابل قبول‌تر کرد. از سال ۲۰۱۳ نیز حزب آلترناتیو برای آلمان (AfD) تأسیس شد، احزاب راست‌گرا در اروپا نفوذ بیشتری پیدا کرده‌اند.

برای دهه‌ها از زمان پایان جنگ جهانی دوم، احزاب راست‌گرای افراطی در صحنه سیاست کشورهای اروپایی فعال بودند اما قدرت و نفوذ چندان نداشتند و به دلیل وابستگی به ایدئولوژی‌های فاشیستی و نازیستی، در میان اکثریت جوامع اروپایی منفور به شمار می‌آمدند. با این حال، در دهه‌ی گذشته و با کم‌رنگ شدن خاطره جنگ‌های جهانی و همچنین با وقوع بحران‌های متعدد و هم‌زمان در اروپا، مانند فروپاشی سیستم مهاجرت و شیوع بیماری کووید-۱۹، شرایطی به وجود آمد که این احزاب بتوانند قدرت بیشتری به دست آورند و به مرور زمان در جوامع خود جایفتند و به‌عنوان احزابی عادی شناخته شوند. گروهی از تحلیلگران معتقدند آنچه به‌عنوان موج اقبال به احزاب راست‌گرای افراطی شناخته می‌شود، بیش از آنکه نشانه‌ای از تمایل به بر خری سیاست‌های خطرناک این گروه‌ها باشد، نوعی مخالفت با احزاب حاکم است. پاتریک کامورل، محقق جنبش‌های پوپولیستی در استنفورد در این خصوص به نشریه آمریکایی وکس گفته است: «نباید از نظر دور داشت که نتایج انتخابات بیشتر به منزله طرد قدرت حاکم است، به‌خصوص زمانی که مردم با چالش افزایش هزینه‌های زندگی روبرو روبه‌رو هستند، به‌ویژه در کشورهایی مانند اتریش تورم همچنان بالا باقی مانده و تحریم‌های اعمال شده بر سوخت روسیه منجر به افزایش قیمت انرژی شده است. بنابراین، این انتخابات صرفاً به گرایش به راست منحصر نمی‌شود، بلکه بیانگر تمایل رأی‌دهندگان به رد سیاست‌های میانه‌رو چپ‌گرایانه‌ای است که به نظر آنها کارآمد نبوده است.»

با این وجود، افزایش قدرت راست‌گرایان افراطی در اروپا پیامدهایی خواهد داشت که می‌توان انتظار داشت این پیامدها به‌طور خاص در سیاست‌های مهاجرتی، محیط‌زیستی و سیاست خارجی اروپا خود را نشان دهد.

▼ سیاست‌های مهاجرتی: افراطی‌ها از قبل موفق شده‌اند

حتی پیش از انتخابات نیز نفوذ راست‌گرایان افراطی در سیاست‌گذاری‌ها در حوزه مهاجرت و مهاجریزبری احساس می‌شد. سال گذشته، حزب مردم اروپا عملاً با راست افراطی در زمینه سیاست‌های مهاجرتی همراه شد و به طرح‌هایی که گفته می‌شد برای مقابله با مهاجرت غیرقانونی است، رأی مثبت داد. مسئله مهاجرت و مهاجرت‌پذیری از معدود حوزه‌هایی است که تقریباً تمام گروه‌های راست افراطی بر سر آن اتفاق نظر دارند.

احزاب راست افراطی با سوءاستفاده از نارضایتی‌های واقعی مردم نسبت به موضوعاتی مانند بهداشت، مسکن و معیشت، از موضوع مهاجرت به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خود بهره برده‌اند. این امر، به‌ویژه پس از موج ورود مهاجران به اروپا در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، بحث پیرامون مهاجریزبری را در کشورهای عضو اتحادیه اروپا به موضوعی چالش برانگیز بدل کرده است. در واکنش به این موضوع، احزاب میانه‌رو در تلاشند تا با اتخاذ رویکردی مشابه احزاب راست افراطی در قبال مسئله

